

بررسی حکم انجام امورات خانه توسط زن

سیده زکیه حسینی نژاد^۱

چکیده

بحث زنان، به دلیل اهمیت نظام خانواده، همواره از اساسی‌ترین مباحث میان علما و دانشمندان بوده است. اسلام همیشه خانواده را رکن مهم نظام اجتماع معرفی کرده و زنان را به دلیل دارا بودن مهم‌ترین نقش در خانواده مورد حمایت قرار داده است. براین اساس برای جلوگیری از ظلم به آنان، وظایف زنان را در امورات خانه مشخص کرده است. پرداختن به وظایف زنان و تعیین محدوده فعالیت‌های آنان در خانه باعث پایداری بنیاد خانواده و رشد و بالندگی نظام اجتماعی خواهد شد؛ زیرا تاثیرگذاری زنان در امر سیاست، فرهنگ و اقتصاد، امری اجتناب‌ناپذیر است. ازاین‌رو پژوهش حاضر بر اساس فقه پویای آل محمد (علیهم‌السلام) با مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی فقهی وظایف زنان در انجام امورات خانه‌داری خواهد پرداخت. دیدگاه فقها بر این است که همه آنها به اتفاق، تمکین زن از شوهر را از وظایف واجب زنان دانسته و اموری مانند آشپزی، نظافت و... را در شمار وظایف زنان ندانسته‌اند. همچنین بر اساس آیات و روایات و قواعد متعدد فقهی، از قبیل قاعده حرمت مال مسلم، مجانی نبودن عمل، مالیت کار زن و... اجرت‌المثل کار زن را اثبات کرده‌اند. نکته حائز اهمیت در کنار حق مالیت کار خانگی، امتنانی بودن بسیاری از امورات خانه‌داری بنا بر روایات است که کمک شایانی به دوام زندگی سالم خواهد کرد.

واژگان کلیدی: اجرت‌المثل، کار زن، قواعد فقهی، حق‌العمل، عدم تبرع، حق.

۱. پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی و دانش آموخته سطح سه فقه و اصول جامعة الزهراء (ع)، قم، ایران؛

مقدمه

دین مبین اسلام از دیرباز اهمیت و ارزش فراوانی برای ایجاد جامعه سالم قائل بوده است. براین اساس و در پرتو این ارزش آفرینی‌ها، به صورت ویژه به خانواده و نظام حاکم بر آن پرداخته و همواره خانواده را رکن مهم و توانمند این جامعه توصیف کرده است. در این میان، برای رسیدن به اهداف بالا و والای زندگی، آنچه مهم است ضرورت وجود یک الگوی شایسته برای حفظ و مدیریت نظام خانواده است که با پرداختن به وظایف زن و تعیین محدوده دخالت‌های رفتاری وی در حوزه خانواده می‌توان به این هدف مهم دست یافت. نقش آفرینی زن به عنوان همسر و مادر به گونه‌ای مهم و اساسی قلمداد می‌شود که نه تنها در دین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان و مذاهب و حتی در جوامع غیردینی، جایگاه این ارزش با احترام فوق العاده‌ای به قوت خود باقی است.

قطعاً حوزه وظایف زنان، از چالشی‌ترین بحث‌های جامعه انسانی بوده، به گونه‌ای که عدم تعیین محدوده این وظایف موجب گردیده است در حق این طیف عظیم جامعه، ظلم‌های معنوی و مادی فراوانی وارد آید. پرداختن به این مقوله مهم، علاوه بر اینکه موجب جلوگیری از سوءاستفاده و ظلم به زنان خواهد شد، کمک شایانی نیز در پیشبرد اهداف برنامه‌های خانواده خواهد نمود؛ چراکه پیاده‌سازی صحیح این وظایف می‌تواند تأثیر فوق العاده‌ای در پایداری بنیاد نهاد خانواده داشته باشد و موجب رشد و بالندگی نظام اجتماعی گردد.

تأثیرگذاری زن در امر سیاست، فرهنگ، اقتصاد و بسیاری از موارد مهم اجتماعی دیگر، امری اجتناب‌ناپذیر است. این تأثیرگذاری، در مرحله اول متوجه خانواده خواهد بود؛ چراکه با وجود توانمندی‌های فراوان در اداره امور توسط زنان، محیط خانه و خانواده، بهترین، ضروری‌ترین و شایسته‌ترین بستری است که زن در آن قادر خواهد بود به مدیریت و تربیت نسل موفق و کارآمد پردازد. ازطرفی پیچیدگی‌های فراوان و گوناگونی که در نحوه مدیریت خانه وجود دارد، متخصصان حوزه‌های اجتماعی

و خانوادگی را وادار نموده است تا با تعیین محدوده وظایف و کارهای زن در خانه، اندکی از بار سنگین مسئولیت‌های آنان را کاهش دهد. در تعیین میزان محدوده این وظایف، بر اساس استناد به آیات و روایات، مصادیق و شرایط متعددی توسط فقها و اندیشمندان اسلامی در کتب فقهی و روایی آورده شده است.

هدف این پژوهش، بیان و بررسی افکار اندیشمندان اسلامی و اقوال فقها، همراه با ادله و همچنین نقد آرای جریان‌های فمینیستی در مورد وظایف زنان و مصادیق کارهای آنان در امور خانه است. گرچه پژوهشگران زیادی در این زمینه ورود کرده‌اند، اما به دلیل پراکندگی مطالب و متفرق بودن این موضوع در کتاب‌ها و مقالات گوناگون، کاری که بتوان از آن به عنوان یک مجموعه مستقل یاد نمود، در این زمینه مشاهده نشده است.

برخی آثار انجام یافته در حوزه وظایف زنان در انجام کارهای خانه عبارت‌اند از: بررسی فقهی مدیریت در روابط زن و شوهر، به قلم امیررحمانی (۱۳۹۱ش) که تنها در یک فصل از این کتاب، به بررسی کارهای منزلی زن پرداخته شده است. کتاب حقوق مالی زوجه، اثر فرج‌الله هدایت‌نیانگنجی (۱۳۸۵ش) به بحث اجرت‌المثل خدمات مالی زوجه اشاره کرده است. کتاب مدیریت زن در خانواده، نگارش نعمت‌الله یوسفیان (۱۳۸۹ش) نیز به تعدادی از مصادیق خانه‌داری اشاره نموده است. همچنین آثاری از استاد شهید مرتضی مطهری در خصوص روابط مدیریتی زن در اسلام وجود دارد که هیچ‌کدام از این آثار، پاسخ‌گوی این حجم از حقوق زنان در برابر خدمات فراوان آنان به شمار نمی‌رود. در پژوهش حاضر سعی شده است تا با بیان آرای فقهی فقها در رابطه با وظایف زن، با نگاهی اعتدالی و منطقی، به بررسی وظایف زن در امور خانه پرداخته شود و آثار و ثمرات وظایف ایشان و مقدار تأثیرگذاری این وظایف در نظام خانواده، مورد ارزیابی قرار گیرد. سؤالات این پژوهش عبارت است از:

۱. وظایف زن در انجام امورات خانه از منظر فقه چیست؟

۲. دیدگاه فمینیستی در انجام امور خانه داری زن چیست؟
۳. دیدگاه اندیشمندان اسلامی در رابطه با کارهای زن در خانه چیست؟
۴. وظایف اخلاقی زن در انجام کارهای خانه چیست؟
۵. شرایط و مصادیق اجرت المثل زن در خانه کدام است؟

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. فقه

الف) معنای لغوی: فقه در لغت به ریزینی و فهم دقیق و عمیق اطلاق می‌گردد: «الفقه العلم بالشی والفهم له». پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب را نیز فقه می‌گویند (ابن منظور، ج ۱۳، ص ۵۲۲). همچنین «الفقه هو التوصل الی علم غائب بعلم شاهد» (همان، ج ۱، ص ۶۴۲).

ب) معنای اصطلاحی: استنباط احکام شرعی از روی رأی و اجتهاد را فقه می‌گویند که امروزه به ویژه در میان فقیهان، اختصاص به فقه الاحکام دارد و مسائل عملی اسلام از وجوب تا حرمت را شامل می‌شود.

۱-۲. حکم

الف) معنای لغوی: حکم در لغت به معنای قضا، علم، فقه و حکمت آمده است (همان، ج ۲، ص ۱۲۷).

ب) معنای اصطلاحی: شهید اول در کتاب القواعد در معنای اصطلاحی حکم می‌گوید: «الحکم خطاب الشرع المتعلق بأفعال المكلفين بالاقتضاء أو التخيير و زاد بعضهم: أو الوضع الوضع: هو الحكم على الشیء بكونه سببا، أو شرطاً، أو مانعاً». حکم در اصطلاح، خطاب‌های خداوند به افعال مکلفین گفته می‌شود (عاملی (شهید اول)، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹).

۱-۳. حق

الف) معنای لغوی: برای حق در لغت، معانی گوناگونی به کار رفته است: «اصل الحق

المطابقه والموافقه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۲۵). «الحاء والقاف اصل واحد وهو يدل على احكام الشئ وصحته فالحق نقيض الباطل» (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۵).

ب) معنای اصطلاحی: حق در اصطلاح فلاسفه، متکلمان و علمای حقوق و اخلاق، دارای معانی متعدد و متفاوتی است. شیخ انصاری، حق را توانایی و سلطنتی تعریف می‌کند که قائم به دو طرف است، نه شخص واحد. به عبارتی حق نوعی سلطه قراردادی و ملک به شمار می‌رود (انصاری دزفولی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۹).

۲. دیدگاه فمینیستی انجام امور خانه‌داری زن

واژه فمینیسم (feminism) با اندکی تغییر در زبان انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، به معنای زن یا جنبش جنس مؤنث به کار رفته است. در اندیشه‌های فمینیستی، در مسائل زنان و مشکلات آنها از جمله خانواده، دیدگاه‌های یکسانی وجود ندارد. در این دیدگاه، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم‌آلود است که باید دگرگون شود و این دگرگونی با تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده و با سوق دادن آنان به مشاغل عمومی محقق خواهد شد. به عقیده سیمون دوبوار، آنچه زن را در قید بندگی نگه می‌دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری است. وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسان‌های سالم به شدت مورد حمله قرار می‌دهد و ازدواج را نوعی فحشای عمومی و عامل بدبختی زنان می‌داند و با تولید مثل و شکل رایج روابط جنسی، به عنوان مسائل اساسی جنبش فمینیسم مخالفت می‌نماید (مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷، ص ۱۷). اندیشمندان، اصلی‌ترین گرایش‌های فمینیستی را چهار نگرش فمینیسم لیبرال، رادیکال، مارکسیستی و سوسیالیستی می‌دانند. در ادامه درباره هر کدام مطالبی بیان می‌شود.

۲-۱. فمینیسم لیبرال

این اندیشه را که غالباً آن را مترادف خود فمینیسم می‌دانند، بر اساس تبیین جایگاه زنان در جامعه برحسب حقوق نابرابر و فراسوی خانواده و خانه‌داری واقع شده است.

طرف‌داران این اندیشه، تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را انکار می‌کنند و آداب و رسوم غلط را باعث فرودستی زنان می‌دانند که باعث محبوس شدن آنها در خانه‌ها شده است. هدف آنها برابری حقوق زنان و مردان به طور یکسان است. این گروه با نقش‌های ازپیش‌تعیین‌شده مذکر و مؤنث در خانواده مخالف‌اند و روابط زناشویی را شادکامی و رضایت خودمحورانه زن و مرد می‌دانند. آنان تشکیل خانواده و تربیت فرزندان و ایفای نقش مادری و همسری برای زنان را رد می‌کنند و کار خانگی را از آن جهت که به طور رسمی حساب نمی‌شود ظالمانه می‌دانند.

۲-۲. فمینیسم مارکسیست

هدف این نگرش، تحلیل و توضیح رابطه میان فرودستی زنان و جنبه‌های سازماندهی شیوه تولید سرمایه‌داری است. طرف‌داران این دیدگاه، وضعیت زنان از لحاظ کار دستمزدی را بیشتر کانون توجه قرار می‌دهند و کار بی‌جیره و موجب در عرصه خصوصی را که مترتب با وضعیت زنان است جدل‌انگیز می‌دانند. از نظر آنان، سرخ ستم بر زنان، نظام خانواده است که بر رابطه وابسته و بدون اختیار زنان با شوهر و پدر استوار است.

۲-۳. فمینیسم رادیکال

این نگرش بیش از هر چیز بر روی احساسات و روابط شخصی تکیه دارد و نخستین وظیفه خود را کشف و بیان حقایق و مبارزه با اعمال ستم بر زنان می‌داند. هواداران این دیدگاه، بنیادی‌ترین ساختار ستمگری را ستمگری بر جنسیت می‌دانند که همان نظام پدرسالاری است. برای آنها، فرودستی زنان، مهم‌ترین مسئله است. هدف نگرش رادیکال، آشکار کردن شیوه‌های اعمال اقتدار مردانه در همه حوزه‌های زندگی زنان، از جمله روابط شخصی آنان، مانند بچه‌داری، ازدواج و انواع روابط جنسی نظیر تجاوز، فحشا، آزار جنسی و آمیزش جنسی است. آنان تولد نوزاد توسط زنان را دلیل ضعیف‌تر

شدن زنان از مردان می‌دانند و راه حل آن را پیشرفت جدید فناوری در بارداری بیان می‌کنند که زنان را از بچه‌دار شدن رها خواهد کرد.

۴-۲. فمینیسم سوسیالیست

بر اساس این نگرش، نظام جنسیتی و نظام اقتصادی، در ستم بر زنان نقش اساسی دارند. شعار آنان، آزاد کردن زنان از کار خانگی و فراهم کردن ورود آنان به زندگی اجتماعی است. این نگرش، فرودستی زنان را به دلیل سلطه مذکر می‌دانند و از این رو خواستار محو کردن سلطه مذکر هستند. آنان این هدف را با تغییر در آموزش کار و سرپرستی کودکان، قابل دسترسی می‌دانند. آنان همچنین نظام سرمایه‌داری را به دلیل دستمزد کم برای زنان، عامل سوق زنان به ازدواج و پذیرش نقش مادری و همسری برای تأمین مخارج خود می‌دانند که همین موضوع، باعث فرودستی آنان شده است.

نقد و بررسی

در نظام ارزشی اسلام، خانواده رکن اساسی اجتماع انسانی به شمار می‌رود که متشکل از زن و مرد و فرزندان است. در این نهاد، نقش مادر به عنوان مبدأ تربیت و آرامش اعضای خانواده، نقشی بسیار حیاتی و مورد احترام است. اما اندیشه فمینیستی که جایگاه و پایگاه آن غرب است، خانواده را مانع آزادی زنان می‌داند که باعث فرومایگی زنان و تسلط مردان بر آنان می‌شود. بر اساس گرایش‌های فمینیستی، زنان باید خود را از زنانگی جدا کنند و به مردان برسانند که این خود نوعی مبارزه با غریزه و خلقت زنان است. فمینیست، زن را از ارزش‌های اخلاقی جدا و به لذت‌های مادی تشویق می‌کند. آنان زن را از خانواده جدا می‌نمایند تا با بردن زنان به اجتماع، مشروعیت روابط جنسی، همجنس‌بازی و مانند آن، زنان را به آزادی بی‌قید و شرط برسانند. فارغ از اینکه این موضوع نه تنها کمکی به زنان نمی‌کند، بلکه کرامت انسانی زن را زیر سوال می‌برد. آنان به نوعی باعث فرومایگی زنان شده‌اند؛ زیرا زنان را ابزار سودجویی و لذت‌طلبی مردان

هوسران قرار داده‌اند و مقام مادری را که بزرگ‌ترین مقام است، از آنان گرفته و باعث تنزل مقام زن شدند. همچنین باعث شدند شرکت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، از زنان سودجویی و سوءاستفاده کنند و آنان را به عنوان کارگران ارزان قیمت وارد بازار کار خود نمایند. در اصل، اندیشه فمینیستی نوعی دین‌ستیزی و مبارزه با اندیشه‌های اسلامی و غریزی یک انسان است. هرچند در اسلام، ملاک برتری زن و مرد در ارزش‌های معنوی است، اما از نظر جنسیت، آنها دو جنس متفاوت هستند که هرکدام مایه تکامل دیگری است و هر دو با هم مکمل یکدیگر به شمار می‌روند. از این رو آنها در کنار هم به آرامش می‌رسند. از آنجاکه نقش اصلی و ذاتی زن، مادری و همسری است، این نقش در هیچ جای دیگری غیر از کانون گرم خانواده برای زن به دست نمی‌آید. فمینیسم با بردن زنان به اجتماع و دور کردن آنان از غریزه ذاتی‌شان، یعنی مادری و همسری، باعث نارضایتی و سرخوردگی زنان شدند که این موضوع نه تنها کمکی به زنان نکرد، بلکه مشکلات فراوانی را برای آنها به وجود آورد.

۳. دیدگاه اندیشمندان اسلامی در انجام امور خانه‌داری زن

در نگاه اندیشمندان اسلامی، امور خانه‌داری زنان به مراتب از انجام کارهای بیرون از خانه مهم‌تر و حیاتی‌تر شمرده می‌شود تا جایی که پرداختن به وظایف زنان در امور خانه را بسیار اساسی و حائز اهمیت می‌دانند. بازخوانی دیدگاه‌های اندیشمندان جهان اسلام در خصوص اهمیت کار زن می‌تواند کمک بزرگی به طالبان علم و حقیقت در شناخت اهمیت کار خانگی و امورات خانه‌داری زنان داشته باشد. در ادامه، برخی از این دیدگاه‌ها بیان می‌شود.

الف) رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در تقویت و تثبیت همین دیدگاه، از خانه‌داری به عنوان شغلی حساس و آینده‌ساز نام می‌برد: «یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند بنده عقیده ندارم به اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند نه، اشکالی ندارد، اما اگر چنانچه این

به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز» (۱۳۹۲/۲/۱۱).

ایشان امورات مربوط به خانه‌داری را به حدی مهم می‌دانند که انجام آن را تنها منحصر به ظرافت یک زن برمی‌شمارند:

«وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه، زنان هستند... خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده انجام این کار برمی‌آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافت‌ها را رعایت کند» (۱۳۸۱/۰۶/۰۶).

همچنین تأمین مالی خدمات خانه‌داری زن از نظر ایشان، برای دولت و متولیان، یک ضرورت مهم به شمار می‌آید و همگان را به تهیه برنامه مالی در راستای تجلیل از آنان امر می‌نمایند: «زن در خانواده، عنصر محوری است... مرد باید قدردان باشد. جامعه باید قدردان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زن‌های خانه‌دار ارزش‌گذاری ویژه بشود. بعضی می‌توانستند بروند کار بگیرند، بعضی می‌توانستند تحصیلات عالیه بکنند، بعضی تحصیلات عالیه هم داشتند - من دیدم زنانی را از این قبیل - گفتند ما می‌خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتیم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده، آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. باید از این جور زنی قدردانی شود... تأمین اقتصادی‌شان، بیمه‌شان، بقیه چیزهایی که لازم است، باید در نظر گرفته شود» (۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

ب) آیت الله شهید مرتضی مطهری، مالکیت و استقلال مالی زن را مورد بحث قرار می‌دهد و درباره حق مالکیت زن می‌نویسد: «یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد، حقی به مال زن و کار زن ندارد. نه می‌تواند به او فرمان دهد که برای من فلان

کار را بکن، و نه اگر زن کاری کرد که به موجب آن کار، ثروتی به او تعلق می‌گیرد مرد حق دارد که بدون رضای زن در آن ثروت تصرف کند، و از این جهت زن و مرد وضع مساوی دارند» (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

ج) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «أن الطريقة المرضية في حياة المرأة في الإسلام أن تشتغل بتدبير أمور المنزل الداخلية وتربية الأولاد، وهذه وإن كانت سنة مسنونة غير مفروضة لكن الترغيب والتحفيز الندي - والظرف ظرف الدين، والجو جو التقوى وابتغاء مرضاة الله، وإيثار مثوبة الآخرة على عرض الدنيا والتربية على الأخلاق الصالحة للنساء كالعفة والحياء ومحبة الأولاد والتعلق بالحياة المنزلية - كانت تحفظ هذه السنة؛ روش پسندیده، در زندگی زن در اسلام، آن است که به اداره امور داخلی و تربیت فرزندان مشغول باشد. این شیوه گرچه واجب نیست، اما ترویج و ترغیب استجابی، موجب حفظ این سنت شده است» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۵۱).

۴. اقوال و ادله فقها

۴-۱. اقوال

یکی از مسائل اساسی در استقرار بنیاد خانواده، مسئله وظایف زنان در خانه است. از آنجاکه دین مبین اسلام برای همه زوایای زندگی بشری برنامه‌ای جامع دارد، در این مورد نیز بیاناتی را ارائه کرده است. همه فقها بالاتفاق وظایف زنان در خانه را به وظایف واجب و غیر واجب، که در قبال آن، زن مستحق اجرت‌المثل است تقسیم کردند. از نگاه فقها، تمکین زن از شوهر از وظایف واجب زن است. آنها همچنین کارهایی مانند آشپزی، نظافت منزل و انجام امورات فرزندان، مانند تدریس و شیر دادن را از امور غیر واجب زنان می‌دانند که زنان در مقابل آن هیچ وظیفه شرعی ندارند و می‌توانند در برابر آن از همسر خود درخواست اخذ اجرت‌المثل نمایند. برخی از این اقوال عبارت‌اند از:

الف) مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، تمکین از شوهر را از وظایف واجب زنان می‌داند و وظایفی مانند آشپزی، نظافت و امور فرزندان و غیره را در شمار وظایف

زنان نمی‌دانند و می‌فرماید: «وعلیهما يستحق العامل أجره المثل لعمله إلا أن يشترط عدمه، أو يكون العامل قاصدا للتبرع ومع عدم الشرط وعدم قصد التبرع أيضا له أن يطالب الأجرة إلا أن يكون الظاهر منهما في مثله عدم أخذ الأجرة، وإلا فعمل المسلم محترم؛ عامل مستحق اجرت المثل، عمل خود می‌باشد، مگر اینکه شرط عدم اجرت شده باشد یا عامل قصد تبرع داشته باشد. در غیر این دو صورت، با عدم شرط و عدم قصد تبرع، بنا به قاعده احترام عمل مسلم، عامل مستحق اجرت المثل خواهد شد مگر اینکه ظاهر در مثل این، عدم اخذ اجرت باشد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۴۵).

ب) در استفتایی از امام خمینی چنین آمده است: «موقع طلاق، زن از شوهر خود مطالبه اجرت زحماتی را می‌کند که در خانه شوهرش کشیده (از قبیل پختن غذا و شستن لباس شوهر و نگهداری اطفال مشترک) و می‌گوید: اگر می‌دانستم که شوهرم مرا طلاق می‌دهد، لذا از اول بدون مزد کار نمی‌کردم. آیا موقع طلاق، زن چنین حقی را دارد یا نه؟». امام در پاسخ فرموده است: «زن اگر زحماتی را که در خانه مرد متحمل شده، بدون مطالبه مزد یا به قصد تبرع انجام داده، حق مطالبه چیزی در مقابل آن ندارد» (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۱۷).

ج) آیت الله سید موسی شبیری زنجانی: در خصوص وظیفه زن در کارهای منزل، اگر در عقد ازدواج، انجام کاری از خدمات منزل را بر زن شرط کرده باشند؛ مثلاً در ضمن عقد، غذا پختن را ذکر کرده یا عقد را بر اساس آن جاری کرده باشند به نحوی که تخلف از آن، تخلف از قرارداد محسوب گردد، زن باید به تعهد خود عمل نماید و در غیر این صورت زن وظیفه ندارد خدمت خانه را انجام دهد و می‌تواند بابت کارهای خانه، از شوهر خویش مطالبه مزد نماید؛ همچنان که می‌تواند بابت کارهایی که به درخواست شوهر، قبلاً انجام داده، مزد بگیرد، مگر در چهار صورت: ۱. در وقت انجام آن کارها، با آگاهی از استحقاق مزد، قصد مجانیت کرده باشد. ۲. از استحقاق مزد مطلع نبوده، ولی به طور مطلق قصد مجانیت کرده باشد (یعنی مثلاً قصد داشته بدون

مزد غذا بپزد، حتی به فرض آنکه حقّ مزد گرفتن داشته باشد). ۳. پس از انجام آن کارها، حقّ مزد خویش را اسقاط کرده باشد و ۴. شوهر قصد مجانی بودن کار را داشته و درخواست وی، ظاهر در این معنا باشد.

د) محقق داماد نیز مانند همه فقها، وظیفه واجب زنان را تمکین از شوهر می داند و انجام دیگر امورات خانه را جزء وظایف زنان نمی داند و می فرماید: «اگر شخصی به امر دیگری کاری انجام دهد، چنانچه این کار عرفاً دارای ارزش اقتصادی و بدون قصد تبرع انجام یافته باشد، آمر به اندازه اجرت المثل ضامن است. مستند ضمان، قاعده احترام است؛ بدین توضیح که هرچند انسان آزاده، خودش مال نیست، ولی کار او مال محسوب است و مقتضای احترام مال، مسئولیت و ضمان است» (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۱۷).

هـ) آیت الله خویی می فرماید: «إذا أمر بأتیان عمل فعمل المأمور ذلک، فإن کان بقصد التبرّع لا يستحقّ علیه أجره وإن کان من قصد الأمر إعطاء الأجرة، وإن قصد الأجرة وکان ذلک العمل ممّالاً له أجره استحقّ وإن کان من قصد الأمر إتيانه تبرّعاً، سواء کان العامل ممّن شأنه أخذ الأجرة ومعدّاً نفسه لذلك أو لا، بل وكذلك إن لم يقصد التبرّع ولا أخذ الأجرة، فإنّ عمل المسلم محترم» (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۹۲). مرحوم خویی معتقد است اگر آمر، قصد تبرعی در انجام کارهایش نداشته باشد، شایسته اجرت المثل خواهد بود. ایشان نیز به قاعده عمل مسلم توجه داشته و بر همین استناد، هر عملی را که زن در خانه انجام داده و قصد تبرع نداشته است، شایسته اجرت المثل می داند.

و) آیت الله مکارم شیرازی نیز تمکین زن را واجب دانسته است و کارهای دیگر خانه را در شمار وظایف زنان نمی داند. بر همین اساس، در ذیل سؤال ۱۰۴۲ کتاب احکام خانواده می فرماید: «زوجه در صورتی می تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که بگوید قصد تبرع ندارد و زوج این کارها را از او بخواهد. و مسئله طلاق چه از طرف زوج باشد چه به خواست زوجه، هیچ ارتباطی با مسئله فوق ندارد. حتی بدون طلاق نیز در فرضی که ذکر شد می تواند مطالبه اجرت کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۳).

۲-۴. ادله

فقه‌ها برای دیدگاه خود در مورد کارهای زن در خانه همسر، به ادله‌هایی استناد کرده‌اند؛ از جمله:

۱-۲-۴. قرآن

یکی از آیاتی که در خانه‌داری زنان می‌توان به آن استناد کرد، آیه ۶ سوره طلاق است. بر اساس این آیه، خداوند می‌فرماید اگر نوزاد شما را شیر دادند، مزدشان را بدهید. شیر دادن، یکی از مصادیق اجرت‌المثل است که می‌توان این مثال آیه را به مصادیق دیگر کارهای خانه تسری داد و براین اساس، زنان را در کارهای خانه، مستحق اجرت‌المثل دانست: ﴿أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمَا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى﴾؛ «آنها [زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما (فرزند را) شیر می‌دهند، پاداش آنها را بپردازید و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوری شایسته انجام دهید و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیر دادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد».

۲-۲-۴. روایات

در دین اسلام روایاتی در مورد وظایف زنان در منزل وارد شده است که در همه آنها، کارهایی مانند آشپزی و شیر دادن فرزندان، در شمار وظایف زنان نیست. در ادامه به چند مورد از این روایات اشاره خواهیم کرد:

الف) یکی از روایاتی که فقها در اثبات اینکه کارهای منزل از وظایف زنان نیست، به آن استناد کرده‌اند، روایت ابی صباح کنانی از امام صادق علیه السلام است. در این روایت،

به یکی از مصادیق کارهای زنان، یعنی شیر دادن فرزندان اشاره شده است و زنان را مستحق اجرت المثل می‌داند: «عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَهِيَ حُبْلَى - أَنْفَقَ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا - وَإِذَا وَضَعَتْهُ أَغْطَاهَا أَجْرَهَا وَلَا يُضَارَّهَا - إِلَّا أَنْ يَجِدَ مَنْ هُوَ أَرْحَصُ أَجْرًا مِنْهَا - فَإِنْ هِيَ رَضِيَتْ بِذَلِكَ الْأَجْرِ فَهِيَ أَحَقُّ بِإِنْبِهَا حَتَّى تَقْطِعَهُ؛ رَاوَى از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند: زمانی که مردی، زن حامله‌اش را طلاق داد، باید نفقه او را تا زمان وضع حمل بدهد و زمانی که وضع حمل کرد، مرد باید مزد شیر دادن را به او بدهد و نباید موجب ضرر زن شود؛ یعنی باید بچه را به زن بدهد که شیر دهد، مگر اینکه زن دیگری پول کمتری می‌گیرد. مگر اینکه مادر هم به همین اجرت کم راضی شود که احق از بقیه خواهد بود» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴۵).

ب) روایت دیگری که در اثبات عدم وظیفه زنان در امورات خانه مورد استفاده قرار گرفته، روایت ابی بصیر از امام محمد باقر عليه السلام است. این روایت، حرمت مال مسلمان را به حرمت خون و جان تشبیه کرده است. از آنجاکه در فقه برای خون و مال، اهمیت زیادی قائل شده‌اند و در صورت ریخته شدن خون، مسلمان مستحق دیه خواهد بود، این اثر برای تعرض به مال مسلمان هم وجود دارد. فقها عمل شخص را یکی از مصادیق مال می‌دانند. براین اساس، کار زنان در منزل، مال محسوب می‌شود و در صورت انجام آن توسط زن، وی مستحق اجرت المثل خواهد بود. شیخ کلینی نیز با استناد به این روایت، کارهای زن در منزل شوهر را از وظایف آنان نمی‌داند: «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمٍ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۸۸).

۳-۲-۴. قاعده احترام به عمل مسلم

مسلمان نمی‌تواند در مال مسلمان به صورت مجانی تصرف کند و به حقوق او تعدی نماید. بنابراین، تجاوز از حق او جایز نیست. همچنین اگر عملی از جانب وی انجام

شود، محترم است و باید اجرت آن پرداخت شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۴۵ و خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۰، ص ۳۹۲).

۴-۲-۴. بناء عقلا

اصل در اموال و منافع و اعمال متعلق به انسان این است که چیزی از تحت اختیار وی بدون اجازه اش خارج نشود و بدون رضایت وی در آن تصرف نشود و فرقی بین مال و اعمال و منافع نیست و همه آنها به صورت یکسان قابل احترام هستند.

۴-۲-۵. سالم فقها

فقها نسبت به مدلول قاعده احترام به مال و عمل مسلمان توافق و تسالم دارند و اختلافی در آن دیده نشده است.

۴-۲-۶. مجانی نبودن عمل

اصل در هر عملی، عدم تبرع است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۳).

۴-۲-۷. قاعده استیفا از عمل غیر

استیفا از عمل غیر موجب ضمان می شود که این استیفا منوط به شرایط اجرت المثل، مانند امر آمر به انجام کار و عدم قصد تبرع عامل از انجام کار است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۱۷).

۴-۲-۸. مالیت کار زن

کار زن، مال محسوب می شود و در صورت ندادن اجرت و حق الزحمه امورات خانه داری وی، اکل مال به باطل خواهد بود (همان).

۵. وظایف اخلاقی

مهر و عاطفه در زندگی انسان ها بهره ای الهی است که می تواند بسیاری از امورات زندگی را در جامعه به سرانجام برساند. یکی از این بهره های الهی که ضامن بقای زندگی و موجب رشد و توسعه خانواده ها شده، امورات امتنانی زن در خانه است که

بدون چشم داشت و با علاقه‌ای مثال زدنی در خدمت همسر و فرزندان صورت می‌گیرد. اموراتی که پای مزد مادی در میان نیست، ولی در عوض، صدها حدیث در اعطای ثواب و بهره‌های معنوی خداوند به خدمات منزلی زن در روایات مشاهده می‌شود؛ از جمله:

الف) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو خَالِدٍ الْكُفَيْيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلاَحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ؛ هر زنی که در خانه شوهرش، به قصد اصلاح امور خانه، چیزی را از جایی به جای دیگر بگذارد، خداوند به او نظر می‌کند و کسی که خدا به او نظر کند عذاب نمی‌شود» (صدوق، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱۱).

ب) «زنی که همسرش را به جرعه آبی سیراب کند، ثواب عبادت یک سال نماز و روزه و شب‌زنده‌داری برایش باشد و برای هر شربت‌تی که به شوهرش داده، خدا شهری در بهشت برای او بنا کند و شصت گناه او را بیامزد» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۵).

ج) «هر زنی که هفت روز همسرش را خدمت کند، خدا هفت در جهنم را به رویش ببندد و هشت در بهشت را برایش بگشاید و از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود» (همان).

د) «إِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعْدِلٍ عِتْقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَّغَتْ مِنْ رِضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا، وَقَالَ: اسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ: هرگاه فرزند خود را شیر دهد، به هر مکیدن نوزاد، پاداشی به او دهند برابر است با آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل. و هنگامی که از شیر دادن فرزند خود فارغ شود، فرشته بزرگواری بر پهلویش زند و گوید: اعمال خود را از سر بگیر که خداوند تو را آمرزیده است» (صدوق، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۹۶).

ه) «هیچ زنی نیست که شوهر را یک بار آب دهد مگر اینکه این رفتار برای او از عبادت یک سال که روزهایش را روزه بگیرد و شب‌هایش به شب‌زنده‌داری مشغول باشد بهتر است و خداوند در عوض هر بار که شوهرش را آب دهد شهری در بهشت برای بنا می‌کند و شصت گناه از او می‌آمرزد» (حر عاملی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۲۳).

۶. بررسی حقوق مالی زن در خانه

اسلام دین عدالت است که ملاک برتری انسان‌ها را در تقوا می‌داند و برای همه بشریت، حق و حقوقی برابر قائل می‌شود. در دین اسلام، حقوق به‌گونه‌ای ترسیم شده است که کوچک‌ترین ظلمی به هیچ بشری نشود. اگر انسان در زندگی بر اساس فرمایش اسلام حرکت کند، به رستگاری خواهد رسید. یکی از اموری که از قدیم به دلیل اهمیت نقش خانواده حائز اهمیت بوده، حقوق مالی زنان است. اسلام همواره زنان را مورد حمایت قرار داده و از حقوق آنان دفاع کرده است. از جمله حقوق مالی زن در اسلام، بحث انجام امور خانه‌داری است. مکتب اسلام در راستای حمایت از زنان و تأمین هزینه‌های آنها، اجرت المثل کارهای خانگی زنان را مطرح کرده است. این بحث دارای شرایط و مصادیقی است که در زیر به آنها اشاره خواهد شد.

۶-۱. شرایط اجرت المثل خدمات مالی زوجه

اجرت المثل در لغت به معنای بها و مال مشابه است. در واقع اجرت المثل، دستمزد و مزد کار است که در برابر انجام کاری به شخص پرداخت می‌شود و از قبل تعیین نشده است و همه مردان موظف هستند با بودن شرایط، تمام اجرت المثل همسر خود را در صورت درخواست همسر پرداخت کنند.

در صورتی که جمیع این شرایط محقق شود، زن مستحق اجرت المثل می‌گردد. این شرایط عبارت‌اند از:

الف) در ضمن عقد شرط نشده باشد: اگر مرد در ضمن عقد شرط کند که زن در قبال تمام کارهایی که در خانه او انجام می‌دهد حق هیچ‌گونه دریافت اجرت المثل ندارد و زن این شرط را بپذیرد و در ضمن عقد آورده شود، زن نمی‌تواند بعداً ادعای دریافت اجرت المثل را کند و این حق از او سلب می‌شود.

ب) تبرعی نباشد: عادتاً کارهایی که زن در قبال آن، حق اجرت المثل دارد، تبرعی نیست و حق اجرت المثل دارد و این نیاز به دلیل و اثبات ندارد؛ زیرا شرعاً از حقوق زن

حساب می‌شود. حال اگر مرد، ادعای تبرعی بودن کار زن را بکند، باید برای حرف خود دلیل بیاورد که زن قصد تبرع داشته است. چنانچه مرد دلیل داشته باشد و موفق به اثبات ادعای خود شود، حق اجرت المثل از زن برداشته می‌شود و در غیر این صورت، حق زن پابرجاست.

ج) کار شرعاً به عهده زن نباشد: یکی از وظایف مهم زن در برابر همسرش، تمکین شوهر است که شرعاً به عهده اوست و او نمی‌تواند برای آن از شوهر اجرتی دریافت کند. اما بسیاری از کارهای خانه، شرعاً به عهده همسر نیست و زن می‌تواند درخواست اجرت المثل کند.

د) به درخواست و دستور شوهر باشد: باید تمام کارهایی که زن در خانه شوهر انجام می‌دهد، به دستور و درخواست همسرش باشد تا حق اجرت المثل به او تعلق بگیرد. اما کاری که زن خود اصرار بر آن دارد و حتی شوهر با او مخالفت می‌کند، زن حق هیچ گونه اجرتی را ندارد.

۱-۱-۶. مطالبه اجرت المثل

زن می‌تواند با دارا بودن شرایطی که در بالا به آن اشاره شد، از همسر خود اجرت المثل را مطالبه کند. البته نکته‌ای که در اینجا قابل اشاره است فرق اجرت المثل ایام زوجیت و طلاق و همچنین فرق اجرت المثل با نحله نفقه است که بعضی‌ها این سه را با هم خلط می‌کنند که در زیر به آنها اشاره خواهد شد.

الف) مطالبه اجرت المثل ایام زوجیت: مطالبه اجرت المثل می‌تواند در زمانی که زن در ایام زوجیت با همسر خود به سر می‌برد شکل گیرد و زن اجرت المثل را از همسر خود مطالبه کند.

نکته اول: اجرت المثل زن شاغل که وقت کمتری برای کارهای خانه می‌گذارد، با زنی که تمام وقت خود را صرف انجام امور خانه می‌کند متفاوت است، مگر اینکه شغل زن برای کمک به مخارج زندگی و به درخواست شوهر باشد.

نکته دوم: اجرت المثل ایام نامزدی، بنا بر عرف جامعه، به دلیل اینکه زن و شوهر در یک منزل مشترک با هم زندگی نمی کنند منتفی است.

ب) مطالبه اجرت المثل پس از طلاق: زن در طلاق نیز با شرایطی دارای حق اجرت المثل می گردد:

یک- درخواست طلاق از جانب مرد باشد. براین اساس، در مواقعی که درخواست طلاق از ناحیه زن باشد، زوجه نمی تواند حقی با عنوان اجرت المثل از زوج درخواست نماید.
دو- درخواست طلاق نباید به دلیل نشوز زن باشد. زنی که از انجام وظایف زناشویی با همسرش خودداری کند، ناشزه به شمار می رود و مستحق اجرت المثل نمی شود؛ اگرچه در بیان این مسئله، عده ای از فقها درباره نظریه، متفق القول نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۳۱).

ج) مطالبه اجرت المثل بعد از فوت همسر: زن می تواند پس از فوت همسر خود، در صورت دارا بودن شرایط اجرت المثل، درخواست اجرت المثل کند و در صورتی که مرد دارای اموالی باشد، از اموال مرد به او داده می شود.

۶-۱-۲. فرق اجرت المثل و نحله

نحله به معنای هدیه و بخشش است. در نحله، علاوه بر شرایطی که در اجرت المثل طلاق شرط بود، مانند تقاضای طلاق از سوی مرد و عدم نشوز زن، دارای یک شرط دیگر است، و آن اینکه در صورتی مورد حکم واقع می شود که اجرت المثل اثبات نشود و حتماً باید در طلاق باشد نه ایام زوجیت، و در صورتی که زن نتواند اجرت المثل را برای خود اثبات کند، مبلغی به عنوان نحله به زن داده می شود.

۶-۱-۳. فرق بین اجرت المثل و نفقه

نفقه عبارت است از هزینه های جاری زندگی که شامل همه نیازهای متعارف زن و تأمین همه نیازهایی است که شأنیت زن اقتضای آن را دارد؛ از جمله: هزینه البسه،

غذا، اثاث منزل، بهداشت و درمان و... در فرق نفقه و اجرت المثل باید گفت که نفقه عبارت است از همه هزینه‌های زندگی که مرد در صورت تمکین زن مکلف به انجام آن است، اما اجرت المثل عبارت است از اجرتی که برای کارهایی که زن شرعاً وظیفه‌ای در قبال آنها ندارد و آن نیز باوجود شرایطی خواهد بود که قبلاً گفته شد.

۲-۶. مصادیق اجرت المثل خدمات مالی زوجه

بسیاری از فعالیت‌های زن در منزل همسر، جزء وظایف شرعی زن نیست و نباید به زن تحمیل شود. امام خمینی در جایی که اطاعت از زوج واجب نباشد و ترک آن موجب نشوز تلقی نشود، بر این نظر است که: اگر زن از خدمات خانه و حوائج مرد که با تمتع بردن او ارتباط ندارد، از قبیل جارو کردن یا خیاطی یا غذا پختن یا غیر اینها حتی آب دادن و پهن کردن رختخواب خودداری نماید، نشوز تحقق پیدا نمی‌کند.

فقها برای مصادیق اجرت المثل مثال‌هایی زده‌اند که عبارت‌اند از:

الف) اجرت المثل امور خانه: زن می‌تواند برای انجام دادن اموری مانند آشپزی، نظافت منزل، مهمان‌داری و... از همسرش اجرت دریافت کند؛ زیرا هیچ‌یک از این کارها شرعاً بر عهده زن نیست.

ب) اجرت المثل نگهداری فرزندان: زن شرعاً می‌تواند برای نگهداری و مراقبت از فرزندان خود، حتی برای شیردادن فرزند، از همسر خود مطالبه اجرت المثل را داشته باشد.

ج) اجرت المثل نگهداری از پدر و مادر همسر: زن هیچ‌گونه وظیفه شرعی در برابر والدین همسر خود ندارد و می‌تواند در قبال نگهداری آنها از همسر خود اجرت المثل دریافت کند.

د) اجرت المثل ایاب و ذهاب فرزندان: زن می‌تواند برای بردن و آوردن بچه‌ها به مدرسه و بیمارستان و بازار و... از همسر خود اجرت المثل دریافت کند.

ه) اجرت المثل تدریس فرزندان: زن در برابر آموزشی که در حین تحصیل به فرزندان خود می‌دهد، حق دریافت اجرت المثل را دارد.

و) اجرت المثل پرستاری از فرزندان: زن برای پرستاری از فرزندان خود در ایام بیماری، حق دریافت اجرت المثل از همسر خود دارد.

ز) اجرت المثل کمک به اقتصاد خانواده: در مواقع ناتوانی مرد در اداره اقتصاد خانه، اگر زن به درخواست همسر خود، به اشتغال روی آورد یا کنار همسر خود در کار بیرون از خانه کمک کند، می تواند در برابر کارهای بیرون از خانه، از همسر خود اجرت المثل دریافت کند.

نتیجه گیری

این مقاله بر اساس مستندات فقهی در راستای دفع شبهات فمینیستی و کمک به حقوق و شخصیت زن تدوین گردیده است. بر اساس یافته های تحقیق:

۱. فقها تمکین از شوهر را از وظایف واجب زن می دانند و کارهایی مانند آشپزی، پرستاری از فرزندان، تدریس، ایاب وذهاب امور آموزشی و... را در شمار وظایف شرعی زن ندانسته اند. در این میان، زن در قبال این خدمات، باوجود شرایطی می تواند مستحق اجرت المثل گردد؛ ازجمله: الف) تبرعی نبودن کار زن؛ ب) شرط نشدن در ضمن عقد؛ ج) به درخواست شوهر نبودن. این اجرت المثل، در ضمن ایام زوجیت محقق می شود. همچنین در طلاق نیز اگر از ناحیه زوجه و به دلیل نشوز زن نباشد، اجرت المثل محقق می شود. البته اجرت المثل طلاق، مورد اختلاف برخی فقیهان است؛ زیرا برخی فقط کار زن را ملاک می دانند و نشوز و یا به درخواست زوج یا زوجه بودن را در طلاق معتبر نمی دانند.

۲. فارغ از مباحث مرتبط با حق زن، با روایات بسیاری روبه رو هستیم که ارزش معنوی کار زن را در اولویت قرار داده و پاداش اخروی فراوانی در قبال این خدمات در نظر گرفته اند. در سایه همین روایات، اگرچه گرفتن این حق، بلامانع و از حقوق زوجه به شمار می رود، اما حق العمل مالی زن را به اولویت دوم زنان مبدل می سازد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: دار الفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۳. انصاری دزفولی، مرتضی (۱۳۹۲ش)، کتاب المکاسب، قم: انتشارات مطبوعات دینی.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۸ش)، وسائل الشیعه، تهران: کتاب فروشی اسلامی.
۶. خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۲ش)، استفتانات، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعه الامام الخویی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۸. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب، قم: الشریف الرضی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶ش)، الامالی، تهران: کتابچی.
۱۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷ق)، عروه الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات مؤسسه الأعلی للمطبوعات.
۱۳. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب.
۱۴. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق)، القواعد و الفوائد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ش)، الکافی، قم: دار الحدیث.
۱۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۱۶ق)، قواعد فقه، تهران: نشر علوم اسلامی.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶ش)، نظام حقوق زن در اسلام، قم: نشر صدرا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹ش)، احکام خانواده، قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۹. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۸۵ش)، حقوق مالی زوجه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۷)، مدیریت زن در خانواده، قم: زمزم هدایت.

دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقه
زن و خانواده
سال دوم، شماره چهارم
بهار و تابستان ۱۴۰۲

چکیده‌ها



پروپوزگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مكانة الإنجاب في العهدين القديم والجديد (دراسة مقارنة)

اسماعيل ملكوتي خواجه^١

يجانه سادات حسيني دولت آبادي^٢

محمدجواد حيدريان دولت آبادي^٣

للإنجاب، باعتباره من أهم وظائف الأسرة، أثر كبير في ترسيخ العلاقة بين الزوجين، وله أبعادٌ متعددة. ومن هذه الأبعاد دراسة أهمية الإنجاب ومكانته، والتي يمكن تناولها من خلال مناهج متعددة، منها دراسة أهمية الإنجاب ومكانته في النصوص المقدسة للأديان الإبراهيمية. وبناءً على ذلك، وفيما يتعلق بالفكر الأساسي في مجال العهدين (العهد القديم والعهد الجديد)، فإن هذه المقالة تهدف إلى دراسة هذه القضية، وقد توصلت إلى بعض الاستنتاجات باستخدام المنهج الوصفي التحليلي؛ بما في ذلك أنه بالإضافة إلى الفوائد والتفسيرات الشائعة للإنجاب في كليهما، فإن عدم الإنجاب في العهد القديم هو سبب عار للمرأة، وعلى العكس من ذلك فإن إنجاب الأطفال هو مصدر شرف واعتزاز لها. كما تم استقبال غير المرأة العاقر من إنجاب النساء الأخريات وأهمية تعدد الأطفال في إنجاب المرأة بشكل واضح. وفي العهد الجديد، يُنظر إلى قوة الإيمان بالله في الإنجاب لدى العقيمت على أنها عامل نجاح في الإنجاب، وتم الأخذ بعين الاعتبار أمر عيسى عليه السلام المباشر بأهمية الإنجاب. الكلمات المفتاحية: العائلة، الإنجاب، العهدين، التوراة، الإنجيل.

١. أستاذ مشارك، قسم الدراسات الإسلامية، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران؛ e.malakooti@ahl.ui.ac.ir.

٢. ماجستير في التفسير، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران، (المؤلفة المسئولة)؛ yshosseyni@gmail.com.

٣. طالب الدكتوراه في القانون الدولي العام، جامعة خوارزمي، طهران، إيران؛ mj.heydarian@khu.ac.ir.